

درخت مقدس، درخت سخنگو و روند شکل‌گیری نقش واق

علیرضا طاهری*

چکیده

در برخی جوامع، درخت مورد احترام و پرستش واقع می‌شده است. درخت در کهن‌ترین تصویرش، درخت کیهانی غول پیکری است که رمز کیهان و آفرینش است. با توجه به ارتباط تنگاتنگ درخت با زندگی بشر، بسیاری از جوامع حالتی از قداست را برای درخت قایل بودند. رابطه انسان و درخت و قدسیت آن به گونه‌ای درآمد که زایش انسان را از درخت تصور کردند و این اعتقاد بخشی از مراسم آیینی، جادویی و هنری برخی از اقوام را تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر، در برخی از تصاویر این درخت است که از بدن انسان روییده است. درخت سخنگو و درخت واق واق از نمونه درختان افسانه‌ای هستند که در فرهنگ و هنر اسلامی وارد شده‌اند. اشکال واق واق که توسط نگارگران ایرانی ارائه شده‌اند، اختلاط و امتزاج ترکیب‌های تزئینی و تخیلی را به نحو زیبایی به نمایش گذاشته‌اند. در این مقاله سعی خواهد شد پاسخ‌هایی برای این سؤالات یافته شود:

۱. نقطه مشترک درخت و انسان، در اعتقادات و افسانه‌های ملل چیست؟

۲. چه ارتباطی بین درخت مقدس، درخت زندگی، درخت سخنگو و نقوش واق وجود دارد؟

فرضیات مطرح: از قابلیت‌های مشترک بین درخت و انسان می‌توان باروری، نمو و زایش را عنوان کرد. درخت به مثابه نماد باروری و زایش در کنار انسان مطرح بوده، بنابراین یک ارتباط تنگاتنگی بین این دو موجود وجود دارد که منجر به خلق افسانه‌های خارق‌العاده‌ای شده است. درخت مقدس، درخت زندگی، درخت سخنگو و درخت واق واق با میوه‌های انسانی و حیوانی نیز با توجه به این موضوع به وجود آمده و در فرایندی منجر به شکل‌گیری نقش واق شده‌اند.

از اهداف این تحقیق شناخت ارتباط درخت و انسان در تفکرات و باورهای عامه منعکس در ادبیات داستانی و آثار هنری است. در این رابطه تحقیقات نادری در ایران صورت پذیرفته و بیشتر به مبحث نقش واق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

درخت مقدس، درخت زندگی، درخت سخنگو، واق واق، نقش واق.

مقدمه

بگوییم مردم سیستان این درخت را نمی‌پرستیده‌اند، می‌توانیم به طور قطع باور کنیم که آن را مورد توجه و احترام فراوان قرار می‌داده‌اند [کویاجی، ۱۳۸۲: ۲۷]. آیین سرو کاشمیری نیز اهمیت آن را می‌رساند. درختانی در تبت وجود دارد که مردم می‌پندارند که نام برخی از بزرگان تبت بر برگ‌های آنها نگاشته شده است [همان: ۳۱].

اعتقاد به ارزش و حیات‌بخشی بعضی از درختان چنان بوده که در برخی از سرزمین‌ها برای آنها اعمال خارق‌العاده همچون شفابخشی و حیات مجدد قایل بودند، درختانی که شاخه‌ها و برگ‌های آنان همانند اکسیر جوانی و جاودانگی عمل می‌کردند و خاصیت احیای مردگان را نیز داشتند.

در شاهنامه نیز درباره مأموریت برزوی پزشک، که به فرمان خسرو اول انوشیروان به جستجوی گیاه جاودانگی به هند می‌رود، گزارش داده شده است.

در گزارش‌های چینی می‌خوانیم که روزگاری برگ‌های این گیاهان (جاودانگی) را کلاغان از یکی از جزایر چین آورده و بر چهره جنگاوران کشته انداخته بودند و آنها که سه روز از مرگشان می‌گذشت، زنده شدند [همان: ۳۸].

در بسیاری از جوامع نیز اعتقاد به درختی مقدس به نام "درخت زندگی" داستان‌های فولکلوریک و اساطیری را تحت تأثیر خود قرار داد. این تأثیرگذاری چنان قوی بود که باعث شد این درخت در هنرهای آنان با گونه‌های مختلف گیاهی تصویر شد. در هنر ایران پیش از تاریخ، مارلیک، لرستان، در بین‌النهرین و غیره "درخت زندگی"، ترکیبی از رستنی‌های گوناگونی است که به طول عمر و زیبایی و سودمندی‌شان مقدس شمرده می‌شوند: درخت سدر که چوبش گرانبهاست، نخل که خرما می‌دهد، تاک بن با خوشه‌های انگور...

تقدس درخت زندگی باعث شده است که نگاهبانانی همیشه در دو طرف آن به محافظت پردازند، این نگاهبانان می‌توانند حیوانات واقعی یا افسانه‌ای باشند.

درخت زندگی معمولاً در تصاویر و نقوش، میان دو جانور افسانه‌ای (شیردال، بز وحشی، شیر...) قرار دارد که نگاهبانانش به شمار می‌روند. برای دست یافتن به درخت زندگی باید با هیولاهای نگهبانش جنگید [دوبوکور، ۱۳۷۳: ۱۳].

درخت زاینده انسان و حیوان

رابطه انسان و درخت و قدسیت آن به گونه‌ای درآمد که زایش انسان را از درخت تصور می‌کردند و این اعتقاد، بخشی از مراسم آیینی، جادویی و هنری برخی از اقوام را تحت تأثیر قرار داد.

«دوبوکور» نیز معتقد است که: "بعضی مردم ابتدایی، گاه درخت را زاینده انسان پنداشته‌اند و در افسانه‌های کهن، این اعتقاد نقش بسته است. مثلاً به زعم قبیله قدیمی یا کوت، آدمی، میوه درختی هفت شاخه است و به دست زنی که تنه‌اش از پوسته بدنه درخت

درخت یکی از عناصر طبیعت است که نقش بسیار بارزی در زندگی بشر داشته و علاوه بر اینکه به عنوان یکی از منابع بسیار مهم تغذیه از ادوار دور شناخته می‌شده، در فرهنگ و اعتقادات جوامع مختلف نیز تجلی پیدا کرده است. در داستان‌ها، افسانه‌ها و هنرهای نمایشی و تجسمی، درخت به لحاظ اعتقادات آئیمیمی و گاه توتیمیمی بسیار فراوان بازنمایی و تصویر شده است. در آداب و سنن و مراسم جادویی و رقص‌های آیینی، مردان قبیله با پوشش درخت به انجام مراسم پرداخته و برای او قایل به روح و حیات بودند. این باور ریشه در اعتقادات آئیمیمی دارد. از سوی دیگر، تصویر درخت، چه به صورت تجریدی و چه طبیعی، از دوران بسیار قدیم بر روی ظروف، مهرها، دیواره‌ها و غیره نقش بسته است. درخت در فرهنگ‌های مختلف دارای ارزش و اعتبار خاصی بوده و در برخی جوامع نیز مورد پرستش واقع می‌شده است.

درخت مقدس و درخت زندگی

با توجه به ارتباط تنگاتنگ درخت با زندگی بشر، بسیاری از جوامع حالتی از قدسیت را برای درخت قایل بودند. ریشه، تنه و شاخ و برگ درختان وجه اسرارآمیزی را القا می‌کردند و درخت به عنوان نمادی از رابطه بین دنیای زیرزمینی، زمینی و آسمانی درآمد.

درخت در کهن‌ترین تصویرش، درخت کیهانی غول پیکری است که رمز کیهان و آفرینش است. نوک این درخت، تمام سقف آسمان را پوشانده است و ریشه‌هایش در سراسر زمین دویده‌اند، شاخه‌های ستبر و پهنش در پهنه جهان گسترده‌اند. خورشید و ماه و ستارگان در میان شاخ و برگ‌های این درخت، همچون میوه‌های تابناک، می‌درخشند [دوبوکور، ۱۳۷۳: ۹].

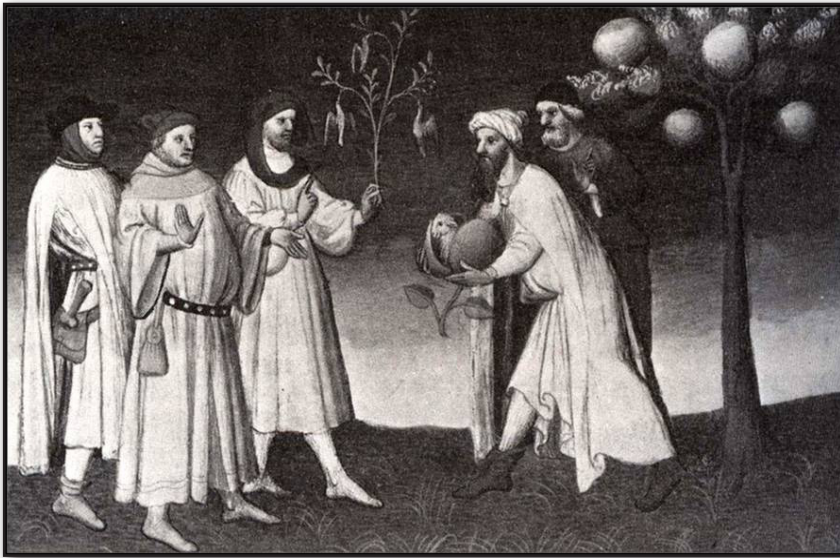
در اعتقادات یهودی نیز درخت، ریشه و شاخه‌های آن نماد مقدسی را تبیین می‌نماید که تجسم‌کننده "منوره" است. شمعدان هفت شاخه موسوم به منوره یهودیت، غالباً همتای "درخت باژگون" شمرده شده که ریشه‌هایش در آسمان می‌رود و نوک و شاخه‌هایش در دل زمین. این باژگونی رمزی درخت، در بسیاری سنن، از کهن‌ترین تا پیچیده‌ترین شان نقش بسته است و طبق مناسک مذهبی چشم‌گیری، این تصویر اسرارآمیز ریشه مقدس و متعال، تقدیس و عبادت می‌شود. نشان این تقدیس ریشه که به شاخ و برگ تبدیل شده و شاخ و برگ که به ریشه، در تخیل و ذهن خیال‌پرداز بر جای مانده است [همان: ۱۸].

در ایران قدیم نیز درختانی با قدسیت خاص وجود داشتند: "درخت‌های سرو سه‌گانه، گویای تثلیث میترا هستند، در تصویری از درختی سه شاخه، بر سر هر یک کلاهی فریجی نقش شده است. نقوش مذکور با تصویری از میترا مرتبط هستند که خود را در شاخ و برگ درختی مخفی کرده است" [ورمارزن، ۱۳۷۲: ۹۰].

در سرزمین سکاها (سیستان امروزی) نیز هنوز نشانه‌هایی از اعتقادات کهن مردم نسبت به درخت سرو یافت می‌شود. اگر نتوانیم

داده است.

توچر (Tucher) از دیگر سیاحان قرن ۱۵ میلادی است که در سال ۱۴۸۱ میلادی، درختی را شرح می‌دهد که حیوانات مختلفی از آن رشد می‌کنند، وی با گرفتن سنت و شیوه ژان دو ماندویل (Mandeville)، آن را به همراه چهارپایانی نشان می‌دهد که نه تنها بر روی خربزه‌ها بلکه در داخل گل‌ها نیز قرار گرفته‌اند. این تغییر شکل یا برداشتی جدید از داستان و افسانه‌ای است که نویسنده در هنگام سفرش در ۱۴۷۹ میلادی توانسته بود در فلسطین پیدا کند (تصویر ۲)؛ [Baltrusaitis, 1981: 110].



تصویر ۲. درخت با میوه پرندگان و بره‌ها، ژان دو ماندویل، اوسبورگ، ۱۴۸۱. مأخذ: Baltrusaitis, 1981: 115.
Fig 2. Tree with fruits of birds and lambs, Jean de Mandeville, Augsburg, 1481. Source: Baltrusaitis, 1981: 115.



تصویر ۱. درخت واقواق، نسخه تاریخ الهند الغربی، قسطنطنیه، قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی. مأخذ: www.wonders the Waq-waq tree.

Fig1. Tree Wak Wak, Tarikh al-Hend-e- Gharbi (History of western India), Constantinople, XVIIIth century. Source: www.wonders the Waq-waq tree.

جادویی که بارش نیامک‌های بزرگی است از " پوستی نرم همچون اطلس"، حاوی زنان جوانسالی که "به طرزی دل‌فریب دو تا شده‌اند و بسان دانه‌های لوبیا در پوست، در چند ردیف، زیر هم قرار گرفته‌اند" [همان].

البته این تصور زایش انسان از درخت، به زایش حیوانات مختلف هم می‌انجامد. تیره‌های مختلف جانوران واقعی همچون بز، شیر، مار و موجودات افسانه‌ای همانند اژدهایان و دیوان، در کنار انواع پرندگان نیز از درخت زاییده می‌شوند و می‌توان آنها را در لابلای شاخ و برگ درختان مشاهده کرد.

در ادبیات داستانی و روایات مذهبی در غرب نیز درخت زاینده انسان و حیوان به وفور دیده می‌شود. در این میان نقش سفر سیاحان و جهانگردان غربی به مشرق زمین و بیان عجایب و غرایبی که در آنجا دیده‌اند نیز در اشاعه و باور آن بسیار حایز اهمیت است. «مارکوپولو» از سیاحان و جهانگردانی است که مشاهدات خود را از عجایب و غرایب مشرق زمین به ویژه چین و هند به غرب انتقال



تصویر ۳. کتاب عجائب دوک دوبری، آخر قرن چهاردهم میلادی، پاریس، کتابخانه ملی پاریس. مأخذ: Baltrusaitis, 1981: 116.
Fig3. The wonders of Duc de Berry, late IXth century, BNF, Paris. Source: Baltrusaitis, 1981: 116.

در متنی از «تیکانن» نیز تصویر بهشت، با بیشه‌زاری از گل با سرهای انسانی نشان داده شده است. " این تصویر و نگرش می‌بایستی توسط داستان‌ها و افسانه‌های مسلمانان مربوط به درختانی که سرهای زنده تولید می‌کنند، انتقال داده شده و از قرن هشتم میلادی توسعه یافته باشد" [Tikkanen, 1895:33].

درختانی نیز وجود دارند که شاخه‌های آنها بر روی زمین افتاده و همانند ماران در حال حرکت هستند. همچنین، حیواناتی وجود دارند که مانند سبزیجات رشد می‌کنند: "اگر ناف یک میش یا گوسفند ماده را در زمین بکارید و آن را آبیاری کنید، بره کوچکی از آن بیرون خواهد آمد. حیوان با غرش صاعقه رشد و نمو می‌کند.

این یک داستان و روایت تارتاری است که از چین آمده است. تلمود اورشلیم تغییری در این داستان می‌دهد: بر اساس نوشته‌های خاخام سیمون دو سان (Simeon de Sens)، ۱۲۳۵ میلادی، موجودی به نام ژادوا (Jadua) در کوهستان‌ها رشد می‌کند که دارای ظاهر هیولایی نیمه انسانی بوده و به وسیله ناف به ریشه متصل بوده است.



تصویر ۴. درخت یسه، کاردینال شارل دو بوردون، ۱۴۸۲-۱۴۸۰ میلادی، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس. مأخذ: <http://classes.bnf.fr/arbre/grandes>
Fig4. Tree of Jesse, Cardinal Charles du Bourdon, 1480-1482, BNF, Paris. Source: <http://classes.bnf.fr/arbre/grandes>



تصویر ۶. درخت زاییده شده از انسان، درخت ترس و واهمه و درخت تردید روح، پترارک، اوسبورگ، ۱۵۳۲ میلادی. مأخذ: Baltrusatis, 1981: 119.
Fig 6. Tree born to man, tree of fear and panic, tree of spirit's doubt, Petrarch, Augsburg, 1532. Source: Baltrusatis, 1981: 119.

وی از علف‌های اطراف تغذیه کرده و به هر کس که به او نزدیک شود حمله می‌کند. برای کشتن او می‌بایستی ساقه او را که به زمین وصل شده قطع کرد [Lee, 1888: 7].

انسان زاینده درخت

در باوری دیگر، برخلاف تصور زایش انسان از درخت، این درخت است که از تنه انسانی رویده و رشد و نمو می‌کند. در فرهنگ یهودی و مسیحی نیز درخت با سرها و نیم‌تنه‌های انسانی، که همچون اعضای لاینفک از درخت هستند، وجود دارد که به "درخت شجره



تصویر ۵. درخت یسه، انجیل هلندی، حدود ۱۴۲۵ میلادی. مأخذ: <http://dame-chlodylene.20six.fr>
Fig 5. Tree of Jesse, the Dutch Bible, 1425. Source: <http://dame-chlodylene.20six.fr>

این تصویر، درختی با میوه‌های بزرگ در سمت راست قرار گرفته که در درون خود حامل موجودات زنده‌اند. یکی از اشخاص میوه‌ای را جدا کرده که در داخل آن بره‌ای قرار دارد. در مقابل وی، شخصی دیگر شاخه‌ای از درختی را در دست دارد که سه پرنده از نوک از آن رویده و آویزانند.

این شکفتگی و زایش حیوانات از غلاف‌های میوه‌سان درختان در کتاب عجایب دوک دوبری (قرن چهاردهم میلادی) نیز دیده می‌شود. در تصویری از این کتاب، چهار قوچ در حال بیرون آمدن یا بهتر بگوییم زاده شدن از میوه‌های یک درخت هستند (تصویر ۳).

یا یسی "معروف است.

درخت، به تصور تطور و تکامل از یک مرکز مولد، تجسم می‌بخشد و انگاره نسب‌شناسی محسوب می‌شود. در حالت کلی، این درخت از تنه انسان رشد کرده و بر روی ساقه‌های آن نیم‌تنه‌های نَسبی روئیده‌اند (تصویر ۴).

تصویر مشهور شجره یشی (یسی)، نمودگار این خویشاوندی نسبی یا پدر-فرزندی است: و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش قد خواهد کشید (اشعیا ۱/۱۱): [دوبوکور، ۱۳۷۳: ۲۵].

در یک انجیل هلندی متعلق به حدود ۱۴۲۵ میلادی، گیاهی تصویر شده که از بدن یک انسان درازکشیده، بیرون زده است. دوازده سر زنده عجیب و غریب بر روی ساقه‌های ظریف وجود دارند و همگی دارای تاج سلطنتی هستند. یک درخت یسه (Jesse) از تنه انسانی بیرون آمده است. سر شاهان جودا بر روی ساقه‌های آن رشد کرده‌اند و در حال گفتگو و مکالمه هستند (تصویر ۵).

یک تصویر بسیار نادر از کتاب «درمان‌های مفید و آینده‌بد» اثر پترارک (Pétrarque)، (مصورشده به وسیله بورکمایر (Burgkmair) یا یک هنرمند متأثر از مکتب وی، ۱۵۱۵ میلادی) وجود دارد که زایش درخت از انسان را نشان می‌دهد.

در اینجا درختی با میوه‌هایی از موجود زنده، از بدن یک انسان بیرون آمده است. ولی این انسان دراز نکشیده، بلکه ایستاده است. از سینه وی یک درخت با یک سر شبیه به خودش، یک پیکره برهنه با هاله مقدس و یک قلب، بیرون آمده، در حالی که وی مشغول اره کردن تنه درخت است (تصویر ۶).

«بالتروزایتیس» در این خصوص معتقد است که: "فلسوفان روح را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: اولی در یک مکان رفیع و بالا قرار دارد برای مثال سر، متعادل‌کننده زندگی، آرامش و همیشه نزدیک به خدا؛ دومی در سینه (قلب) جایی که خشم و احساسات داغ متولد می‌شود و سومی بی‌رحمی، نفس اماره و شهوت‌پرستی و سرخوشی است که مرتباً در حال شکل‌گیری است. برای تصویرسازی این نیروهای متضاد، گراورساز، آنها را در یک گیاه که در انسان ریشه دوانیده، مجسم می‌کند. این روح است که با اره مورد حمله قرار گرفته است. این حالت و ژست نیرویی علیه خود را تجسم می‌بخشد، که نگرانی‌ها و تشویش‌هایی که او را همراهی می‌کند، اره می‌نماید" [Baltrusaitis, 1981: 115].

درخت سخنگو و درخت واک واک (واق واق)

شاید ترکیب و آمیختگی حیوانات و انسان با گیاهان و درختان از این اعتقاد ریشه می‌گیرد که پرندگان و حیواناتی که در لابلاهای شاخ و برگ‌های درختان سکنی گزیده یا ظاهر می‌شوند، به نظر می‌آید که با اجزای درخت ارتباط دارند. پیچیدن صدای باد و تولید اصوات نامفهوم نیز تصویری از قدرت سخن گفتن درختان به وجود می‌آورد. این تصورات می‌توانست الهام‌بخش افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی بوده و از طرفی، بر ذهن خلاق هنرمندان در تصویر کردن آنها نیز

تأثیرگذار باشد.

درخت واک واک به صورت‌های مختلف نامیده شده است: واق واق، وقواق و غیره. در فرهنگ‌های مختلف مخفف واقواق، واق آمده که "درختی است موهوم و افسانه‌ای که بامداد بهار و شامگاه خزان کند و گویند ثمر و بار آن درخت به صورت آدمی و حیوانات دیگر باشد و سخن کند" [خلف تبریزی، بی‌تا: ۱۰۶۳]. در فرهنگ دهخدا آمده است که: "واق یا واک نام پرنده‌ای هم هست و صدای وزغ را نیز واق می‌گویند" [دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۴/۲۰۴۱۲].

در کتاب جغرافیایی «حدود العالم من المغرب الی المشرق» تألیف نویسنده‌ای گمنام به سال ۳۷۲ هجری درباره واقواق نوشته شده که: واقواق درختی چینی همانند بادام و خیار چنبر که میوه‌ای همچون چهره آدمی دارد. چون میوه این درخت برسد چندین بار صدایی همانند واقواق از آن به گوش می‌رسد [بی‌تا، ۱۳۴۰: ۲۴۸].

این افسانه‌ها دارای چندین نسخه هستند. بر اساس یکی از آنها، این درخت عجیب و غریب، که بر روی شاخه‌هایش سرهای پسران آدم را حمل می‌کند، در یک جزیره دوردست قرار دارد. با طلوع و غروب خورشید، آنها فریاد می‌زنند: "واک واک" و سروده‌های آیینی خالق را می‌خوانند. طبق گفته خالقان این افسانه‌ها، این درخت با میوه‌هایی با بدن کاملی از زنان و صدای واک واک، نشان و علامت بدی هستند (تصویر ۷): [Baltrusaitis, 1981, 111].

داستان این درخت در کتاب‌های شگفت‌انگیز هندی شرح داده شده است. ولی اولین ذکری که از آن به میان آمده متعلق به یک چینی به نام «تونگ تیان» (T'ong-Tien)، از تویو (Tou Yeou) است که در ۷۵۱ میلادی به تحریر در آمده است:

"پادشاه تاچه (Ta-Che) افرادی را با گونه‌های مختلفی از موجودات زنده و البسه با کشتی به دریا گسیل داد. در اوایل سال هشتم سفرشان آنها صخره‌ای مربع شکل را مشاهده کردند. بر روی این صخره درختی با شاخه‌های قرمز و برگ‌های سبز قرار داشت. بر روی درخت



تصویر ۷. نسخه خطی، درخت واق واق با میوه‌های انسانی آویزان شده از سر و غنچه‌های در حال شکفتن انسان. مأخذ: Mode, ۱۹۷۷: ۹۸.

Fig7. Manuscript, Tree of Wak Wak with human fruits hung from head and bulbs blooming with human beings. Source: Mode, 1977: 98.

با پوزه‌هایی از حیواناتی مانند شیر، گربه وحشی و اژدها، تصویر شده‌اند [Oxford, 1928 : 38] در این نمونه‌ها استفاده از تنوع جانوران واقعی و تخیلی رو به تزاید می‌گذارد.

جزئیات و مشخصات دیگری از این درخت در داستان‌ها و افسانه‌ها مختلف انتشار یافته‌است. شرق، مملو از گیاهانی است که با حیات وحش اشتباه می‌شوند. در یک باغ هندو، درختان انار، میوه‌هایی از پرندگان رنگارنگ بار می‌دهند [De Gubernatis, 1878: 68].

نویسندگان زیادی به درخت سخنگو اشاره می‌کنند: مایمونید (Maïmonide ۱۲۰۴-۱۱۳۴ میلادی) در کتاب «کشاورزی نبطی‌ها» می‌نویسد، در هندوستان درختانی با سری بر روی تنه وجود دارند که ریشه‌هایشان به وسیله موهایشان شکل گرفته و همانند ماندراگورها که احتمالاً ریشه شرقی دارند، دارای صدای انسانی هستند [Chwolson, 1856:45]. ماندراگورها، انسان‌هایی هستند که از سرهایشان گیاهان روئیده‌اند (تصویر ۹)؛ [Laufer, 1917:1]. ماندراگور را نیز می‌توان از تیره انسان‌هایی به‌شمار آورد که زاینده درخت هستند. رویش ساقه، برگ و میوه از سر انسانی دلیل این مدعاست.

در کتاب «عجائب الطبیعه و النوادر» موضوعات طرح شده از یک نویسنده گمنام، (که از قزوینی الهام گرفته، و در سال ۱۳۸۸ میلادی برای کتابخانه احمدخان، سلسله جلالیریان بغداد نوشته شده)، واک واک را نشان می‌دهد که دارای برگ‌های زیاد و میوه‌هایی شبیه سرهای انسانی است و دارای یک ترکیب‌بندی است که با متن ارتباط بسیار کمی دارد. ساقه‌های پیچشی آن به صورت قرینه‌سازی ترسیم شده‌اند: سه زن با گیسوان بلند، فقط منطبق با متن هستند، بقیه، سرهای اسب، گرگ، میمون، اردک و میش هستند. این سرها جایگزین میوه‌ها شده‌اند، تنه و ریشه‌های درخت نیز از سرهای در هم ریخته و احتمالاً دارای قدرت تکلم نیز بوده‌اند (تصویر ۱۰)؛ [Baltrusaitis, 1981: 115].

درخت جزیره واق واق، که "صدهای عجیب و غریب" از خود در می‌آورد، از سرهای غیر قابل تصور تشکیل شده که در بین آنها می‌توان به سر فیل، گوزن و گاو اشاره کرد؛ تصویری کاملاً ترکیب شده و غنی از آرایه‌های تزئینی. این یک نوع تجزیه و گردآوری مجدد اسطوره‌ها، از همه تزئینات جانوری و گیاهی است که توسعه یافته و پیشرفت کرده‌اند.

این درخت افسانه‌ای در غرب از تغییرات مشابهی پیروی می‌کند. تصاویر ماقبل رومانسک خود را با آرایه‌های جانوری آسیای قدیم ارتباط و پیوند می‌دهد. درخت افسانه‌ای در منابع اسلامی گوناگونی با سرهای انسانی ظاهر می‌شود و سپس به وسیله طرح‌های جدید غنی می‌شوند.

تنه‌های کامل با شاخه‌ها و ساقه‌ها معلق مانده‌اند. شخصیت‌هایی که از کمر جدا شده، حیواناتی که دارای قسمت انتهایی بدن نیستند، پرندگان بدون پا مستقیماً از تزئینات مارپیچی سرستون‌ها بیرون زده و شکفته شده‌اند.

تعداد زیادی بچه‌های انسانی روئیده بودند که اندازه آنها شش تا هفت اینچ بود، هنگامی که آنها انسان می‌دیدند صحبت نمی‌کردند، ولی همگی می‌توانستند بخندند. دستان، پاها و سرهایشان به شاخه‌های درخت چسبیده بودند. زمانی که آنها را از شاخه جدا می‌کردند و در دستانشان قرار می‌دادند، بلافاصله خشک و سیاه می‌شدند. فرستادگان با یک شاخه از این درخت برگشتند که اکنون در اقامتگاه شاه تاجه قرار دارد" [Ibid].

در شکل متفاوتی دیگر در کتاب «الحيوان» نوشته الجاهیز (نهم میلادی/ سوم هجری) آمده است که «واک واک» حیوانات و زنانی را تولید می‌کند که از موهایشان آویزان شده‌اند. زنان، رنگ‌آمیزی شده و صدای واک واک گفتن آنها قطع نمی‌شود. آنها هنگامی که از درخت چیده می‌شوند؛ ساکت شده و می‌میرند.

بر طبق کتاب «الجغرافیا»، از یک جغرافی‌دان گمنام المریا^۲، قرن دوازدهم میلادی/ ششم هجری، این گیاهان به طرز معجزه‌آسایی در جزیره واک واک، که در دریای چین قرار دارد، رشد می‌کنند. برگ‌های آن شبیه درخت انجیر است. میوه‌های آن از اوایل ماه مارس شروع به رشد کرده، و پاهای دختران جوان شروع به ظاهر شدن می‌کنند. بدن‌ها در ماه آوریل کامل می‌شوند. این دختران، زیبا و قابل تحسین هستند. در اوایل ماه ژوئن، آنها شروع به افتادن می‌کنند و در اواسط ماه، دیگر از آنها چیزی باقی نمی‌ماند. هنگامی که می‌افتند فریاد "واک واک" می‌زنند.

در قرن سیزدهم میلادی/ هفتم هجری، این افسانه به وسیله کیهان‌شناسی قزوینی انتشار و توسعه یافت و در بسیاری از آثار عربی نمود پیدا کرد [Ferrand, 1914:300] این افسانه به زمان اسکندر کبیر نیز برگردانده شد و به وسیله فردوسی (در کتاب شاهنامه) و نظامی (در خمسه نظامی) به رشته تحریر در آمد [Epiegel, 1851:132].

اشاره به درخت واق واق در کتاب شاهنامه نشان از ریشه‌دار بودن این افسانه نزد ایرانیان است. روایات و اشعار حماسی ادبی در کتاب شاهنامه این گوهر گران‌مایه ترکیبی از واقعیات و تخیلات است که بسیار محبوب شاهان و ادیبان و مورخین بوده و به گونه‌های مختلف و در اعصار گوناگون توسط هنرمندان ایرانی تصویرسازی شده است.

از میان اینها، یکی از شاهکارهای تصویری در شاهنامه‌ای موسوم به دموت است که اسکندر کبیر را در حال گفتگو با درخت سخنگو نشان می‌دهد؛ یکی از زیباترین صفحات شاهنامه دوران ایلخانی، رسیدن پادشاه به انتهای دنیا را نشان می‌دهد، جایی که درخت سخنگو با سرهای انسانی زن و مرد روئیده است.

درخت سخنگو در اینجا با سرهای انسانی و حیوانی با هم تصویر شده است. این درخت سخنگو با سرهای انسانی تزئین یافته ولی در بین آنها سرهای خروس، بز کوهی، روباه و خرگوش نیز دیده می‌شود (تصویر ۸).

نسخه‌هایی از درخت واک واک نیز در قرن نهم هجری، فقط



تصویر ۹. ماندراگور زنانه و مردانه، حکاکی روی چوب، از کتاب خلاصه هورتوس سانتیاتیس، اوسبورگ، ۱۴۸۶ میلادی. مأخذ: Mode, 1977: 87.

Fig 9. Masculine and feminine Mandragor, engraving into wood, abstract of book *Hortus Sanitatis*, Augsburg, 1486. Source: Mode, 1977: 87.



تصویر ۸. اسکندر در حال گفتگو با درخت واق واق، تصویری از شاهنامه دموت، ۱۳۳۰-۱۳۴۰ میلادی، دوره ایلخانیان، آبرنگ، مرکب و طلا بر روی کاغذ، گالری فریر، واشنگتن. مأخذ: www.freergallery

Fig 8. Alexander is in conversation with Wak Wak Tree, a picture of *Shahnameh* Demot, 1330-1340, Ilkhanian dynasty, watercolor, ink & gold on paper, Gallery Freer, Washington. Source: www.freergallery.



تصویر ۱۰. درخت سخنگو، عجائب الطبیعه، ۱۳۸۸ میلادی، کتابخانه ملی پاریس. مأخذ: www.bnf.fr/enluminure

Fig10. Talking tree, *Ajaieb-al-tab'i'eh* (The wonders of nature), 1388, BNF, Paris. Source: www.bnf.fr/enluminure



تصویر ۱۱. آدم و فرزندان، نسخه خطی از یک انجیل رومی وار متعلق به نیمه اول قرن دوازدهم میلادی، دیژون، فرانسه. مأخذ: http://classes.bnf.fr/arbreg/grandes Fig 11. Adam and his generations, manuscript from a Roman Bible, first half of XII th century, Dijon, France. Source: http://classes.bnf.fr/arbreg/grandes.

این موضوعات از اولین زمان انتشارشان، به غرب نیز وارد می‌شوند و نه تنها در ایتالیا در قرن هشتم میلادی در پارچه‌های بین‌النهرینی و ایرانی مشاهده می‌شوند، بلکه در هنر سلتی‌ها، در پارچه‌های قبلی نیز یافت می‌شوند [Aberg, 1943: 53].

آرایه‌های گیاهی در فرم حروف اول لاتین در تصویرسازی نسخ غربی بسط یافتند و در بسیاری از آنها نیم تنه‌ها و سرهای انسانی و حیوانی می‌توان یافت که با حرف اول لاتین در هم تنیده‌اند. از این شیوه در نسخ انجیل نیز استفاده شد؛ برای مثال یک نمونه از آن را می‌توان در انجیل متعلق به دوران رومانسک در فرانسه مشاهده کرد (تصویر ۱۱).

نسخ خطی ساکسون‌ها نیز، تزئیناتی عجیب و غریب نمایش می‌دهند؛ حیواناتی که دم‌های خود را گاز گرفته و به صورت پیچشی همچون آرایه‌های آرابسکی در هم تنیده‌اند (تصویر ۱۲).

اشکال واق یا واقواق

اشکال واق که توسط نگارگران ایرانی آرایه شده‌اند، اختلاط و امتزاج ترکیب‌های سنتی - تزئینی و تخیلی را به نحو زیبایی به نمایش گذاشته‌اند. قدیمی‌ترین نمونه‌هایی که بدست ما رسیده است، شاخه‌هایی با سرهای انسانی یا حیوانی را نشان می‌دهد که در سرامیک، مرصع کاری و فلزکاری انجام شده‌اند. شیوه تزئینی نقش و نگار واق در هنر اسلامی، در بسیاری از هنرها



تصویر ۱۴. فرش با نقش درخت واق واق، تبریز هریس، قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری مأخذ: www.spongobongo.com Fig14. Carpet with image of Wak tree, Tabriz, Haris, Iran, XIX th century. Source: www.spongobongo.com



تصویر ۱۳. کاشی با نقش واق، تخت سلیمان قرن سیزدهم میلادی/هفتم هجری، موزه هنر کنسیل فوند. مأخذ: www.museumconseilfond.com Fig13. Glazed tile with motif of Vaq, Takhte Soleiman, Iran, XIII th century, Museum of Art Conseil Fond. Source: www.museumconseilfond.com



تصویر ۱۲. نسخه خطی، انجیل ساکسون، قرن دوازدهم میلادی، بریتیش میوزم، لندن. مأخذ: <http://www.enluminures.culture.fr> Fig12. Manuscript, the Saxon's Bible, XII th century, British Museum, London. Source: <http://www.enluminures.culture.fr>



تصویر ۱۵. شمعدان برنجی، با آرایه کتیبه‌ای خطوط کوفی ترکیبی با سرهای انسانی بر روی بدنه، قرن هفتم ق/سیزدهم میلادی، ایران. مأخذ:

<http://www.curiosphere.tv/artislam>
Fig15. Bronze Candlestick, with embellishment of Kufic calligraphy composed of human heads, XIII th century, Iran. Source: <http://www.curiosphere.tv/artislam>

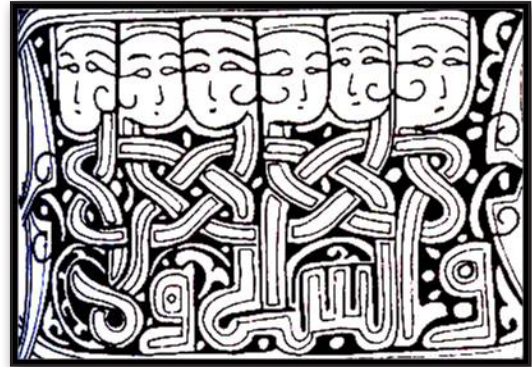
همچون سفالگری، فلزکاری، جلدسازی، مرصع‌کاری و نقاشی کاربرد پیدا کرد. نقش واق که ترکیبی از نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی بود به صورت‌ها و ترکیبات گوناگونی وارد هنر اسلامی شد. در بررسی نخستین نقاشی‌های واق می‌توان نظری به دوره سلجوقیان انداخت که پیشینیان کاربرد نقشمایه‌های طبیعت در رسانه‌های هنری بودند. شیوه زندگی سلجوقیان، عشیره‌ای و چادرنشینی بود و با طبیعت ارتباط تنگاتنگی داشتند. انسان و حیوان و مظاهر طبیعی دیگر همچون گل و گیاه و کوه و درخت و غیره در نظر آنها جلوه‌ای ملموس و نقشی توجیه‌پذیر داشت و آنها خواهان انعکاس این عناصر طبیعی در آثار هنری خود از معماری گرفته تا منسوجات و تزئین معماری و غیره بودند. کاربرد تزئینات هنری از دوران سلجوقیان به بعد ابعاد وسیع‌تری یافت و به ویژه انسان و حیوان در کنار گل و گیاه نقشمایه‌های دلنشینی پیدا کردند و به گونه آرمانی وارد واژگان تزئینی هنری شدند [آژند، ۱۳۸۸: ۷].

هویت این ترکیبات در موضوعات کار شده بر روی چرم (در همه جای این ترکیب‌بندی‌هایی که، ساقه‌ها از یک سر انسانی در مرکز اثر بیرون می‌آید)، تأیید دوباره‌ای است بر سنتی که عمیقاً ریشه‌دار و دارای استحکام است. ضمن اینکه نقوش واق بر روی انواع سفال‌های عالی و تشریفاتی و نیز کاشی‌های نقیص خودنمایی می‌کند. بیشتر نقوش واق در فرم تزئینی خلاصه و محدود به نمایش فقط سرها می‌شوند که به ساقه‌های گیاهی متصل شده‌اند، همچون نمونه کاشی بر جای مانده و مکشوفه از تخت سلیمان که مزین به نقوش واق با سرهای حیوانی است (تصویر ۱۳). این کاشی را می‌توان یکی از نمونه‌های عالی نمایش نقوش کاملاً تجریدی واق



تصویر ۱۷. مهر موهنجودارو، نقش درخت با دو سر حیوانی قرینه، حدود ۳۰۰۰ قبل از میلاد. مأخذ: Mode, 1977:89.

Fig17. Mohenjo-Daro's seal, image of tree with two symmetric animal heads, 3000 B.C. Source: Mode, 1977:89.



تصویر ۱۶. بخشی از یک ردیف خطوط کوفی تزئینی، (والسرور) روی شانه ابریق برنجی با مس و نقره، خراسان، اواخر سده ششم اوایل سده هفتم ق/دوازدهم یا سیزدهم میلادی، موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: ویلسون، ۱۳۸۶: ۲۴.

Fig16. A line of embellished Kufic Calligraphy, on the brass vase with copper and silver mix, Khorasan, Iran, XII-XIII th century, British Museum, London. Source: Wilson, 2007: 24.

۵۱/40

در روند بسط و تأثیرگذاری این نقوش، نقش واق باعث تحولی در کتیبه‌نویسی در بسیاری از آثار شد. این دگرگونی در ترکیبات به وجود آمد و خطوطی همانند خط نسخ یا کوفی با سرهای انسانی و حیوانی ترکیب و آراسته شد. در این شیوه جدید معمولاً انتهای حروف یا خطوط عمودی به سرهای استیلیزه حیوانی و انسانی ختم می‌شود. از این تزئینات بیشتر برای آرایش و تزئین آثار فلزکاری مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۱۵). با این وجود برخی از آثار دیگر نیز از آن بهره جسته‌اند.

یکی از زیباترین نقوش ترکیبی "خط- انسانی" در کتیبه تزئینی با خط کوفی بر روی یک ابریق برنجی مرصع‌کاری شده با مس و نقره از خراسان، قرن هفتم هجری، به دست آمده است. در اینجا خطوط عمودی پس از در هم تنیدن به سرهای انسانی مماس بر هم، ختم می‌شوند که دو به دو روبروی هم قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۶).

دانست، در اینجا دیگر اثری از درخت واقواق طبیعی دیده نمی‌شود. در خراسان با مکتب هرات، این تزئینات در نقاشی و نسخه‌های خطی رشد و بسط می‌یابد. تزئینات ساقه‌های پیچشی گیاهی که حامل صورتک‌هایی آمیخته با برگ‌ها هستند، بر روی پانل‌ها و بر روی حاشیه‌ها دیده می‌شوند. آنها را می‌توان بر روی جلد‌های صحافی نیز ملاحظه کرد. در نگارگری نیز از آنها به مثابه تزئینات بناها، فرش‌ها و چادرها استفاده شده‌اند [Klocher, 1987: 21]. درخت سخنگو و نقوش واق بر روی فرش‌های گرانبها نیز بافته شده‌اند. در فرشی متعلق به تبریز، درخت سخنگو در حالی تمام سطح فرش را پوشانده که از تنه و شاخه‌های آن سرهایی از پرندگان، حیوانات مختلف و سرهای انسانی بیرون آمده‌اند، جانورانی همچون بز، روباه، سگ و غیره. در اینجا حیوانات تخیلی همانند اژدها و جانوری تخیلی با پاهای متعدد که بر پشتش نگاره‌های تزئینی گیاهی نقش بسته، نیز دیده می‌شود (تصویر ۱۴).

نتیجه‌گیری

اعطای نیروهای خارق‌العاده و سحرآمیز و همچنین قابل شدن روح و جان برای درخت، نشانگر ارزش‌گذاری متعالی انسان برای درخت است. درخت به عنوان یکی از عناصر طبیعت دارای تقدس بوده و در پاره‌ای از باورها قابل پرستش است. مسلماً قدرت زاینده‌گی و باروری او، از عوامل مهم زمینه‌ساز این اعتقادات است.

توانایی زایش و باروری درخت و انسان، در برخی از جوامع به رابطه‌ای دو طرفه تبدیل می‌شود. بر اساس این اعتقاد، انسان از درخت زاینده می‌شود و یا بالعکس، درخت از انسان روئیده می‌شود. در واقع، فصل مشترک این عقیده بر مبنای قدرت باروری و زایش بوده که در هر دو موجود یعنی انسان و درخت وجود دارد. این قابلیت و توانایی می‌تواند اساس و پایه بسیاری از باورها در خصوص درخت و انسان و همچنین خلق ایده‌های خارق‌العاده، عجیب و تخیلی، چه در حوزه ادبیات داستانی، فولکلوریک و اساطیری و چه در هنر شود.

افسانه‌ها و ادبیات داستانی برآمده از داستان‌های فولکلوریک و اسطوره‌ای درختان خارق‌العاده‌ای را به وجود آورده‌اند که دارای توانایی‌های غیر عادی و عجیب می‌باشند، درختانی همچون درخت مقدس، درخت زندگی، درخت سخنگو یا درختی با میوه‌های انسانی و حیوانی. در افسانه‌های عامیانه و آثار هنری بدست آمده گونه‌های مختلفی از این درختان تصویر شده‌اند. در این میان، درخت واق و نقوش واق را می‌توان مرحله نهایی روند تحول درختان مقدس و خارق‌العاده دانست :

۱. تبدیل درخت مقدس به درخت زندگی، که در برخی از نقوش دارای سر جانوری است (همانند مهرهای موهنجودارو)؛ (تصویر ۱۷).

۲. تغییر شکل درخت زندگی به درخت سخنگو با سرهای حیوانی و افسانه‌ای با صدای واک واک.

۳. نقوش جانوری و افسانه‌ای به تدریج از درخت جدا شده و به اشکال پیچشی گیاهی با سرهای جانوری تبدیل و به صورت نقوش مستقل کاربرد پیدا می‌کنند.

این اشکال ترکیبی "گیاهی- حیوانی" یا "گیاهی- انسانی" به سرعت مورد توجه هنرمندان اسلامی قرار گرفته و تبدیل به عناصر تزئینی "نقوش واق" شدند. دامنه کاربرد آنها تقریباً تمام گونه‌های هنری را در بر گرفت: نقاشی، سفال، کاشی، فلزکاری، جلدسازی، مرصع‌کاری، فرش و غیره.

۵۲/۳۹

در مجموع می‌توان نقوش تزئینی و تجریدی واق را گونه تغییر شکل داده و تکامل یافته‌ای از میوه‌های درخت سخنگو دانست که جنبه تزئینی و آرایه‌ای به خود گرفته و در ظاهر، از ریشه اصلی خود یعنی درخت سخنگو فاصله گرفته‌اند. این حالت زمانی بیشتر مشخص می‌شود که کتیبه‌های خطی با آرایه‌های سرهای حیوانی و انسانی به وجود می‌آیند. در واقع در این شیوه فرم‌های گیاهی جای خود را به خطوط می‌دهند تا گونه جدید و بسیار عالی از هنر تزئینی خلق شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ژان دو ماندویل، Jean de Mandeville، کاشف و جهانگرد بلژیکی قرن چهاردهم میلادی بود که کتاب «عجایب جهان» را بر اساس سفر ۳۴ ساله خود به مصر و کشورهای مختلف آسیایی تا چین به رشته تحریر در آورد.

۲. آلمریا، شهری در جنوب اسپانیا (آندلس)

فهرست منابع

- آژند، یعقوب. ۱۳۸۸. اصل واق در نقاشی ایران. تهران: نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. ۳۸: ۱۳-۵.
- دوبوکور، مونیک. ۱۳۷۳. رمزهای زنده جان. ت: جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. لغت‌نامه. جلد ۱۴. تهران: دانشگاه تهران.
- خلف تبریزی، بی‌تا. برهان قاطع. چاپ محمد عباسی. تهران: کلاله خاور.
- کویاجی، ج. ک. ۱۳۸۲. آئین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان. ت: جلیل دوستخواه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بی‌نا. ۱۳۴۰. حدود العالم. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- ورمارزن، مارتن. ۱۳۷۲. آئین میترا. ت: بزرگ نادرزاده. تهران: نشر چشمه.
- ویلسون، اوا. ۱۳۸۶. طرح‌های اسلامی. ت: محمدرضا ریاضی. تهران: انتشارات سمت.

Reference list

- Aberg, N. (1943). *The Occident and the Orient in the Art of the Seventh Century*. Stockholm: Wahlström & Widstrand.
- Ajand, Y. (2009). *Asl-e Vaq dar naqashi-e Iran* [The rule of Vaq in the Persian painting]. Tehran: Journal Honarhai-e Ziba (Fine Art). 38 (1):5-13.
- Sotudeh, M (editor). (1961). *Hodud-al-Alam* [the regions of the world]. Tehran: University of Tehran.
- Baltrusatis, Jurgis. (1981). *Le Moyen Age Fantastique* [The Medieval Fantasy]. Paris: Flammarion.
- Chwolsohn, D. (1856). *Die Ssabierand der Ssabismus* [The Ssabierand the Ssabismus]. Leningrad: Saint-Pétersbourg.
- De Gubernatis, A. (1878). *La Mythologie des plantes* [The mythology of plants]. Paris: Flammarion.
- Dehkhoda, A. (1994). *Loghat Nameh* [Dehkhoda Dictionary Encyclopedia]. Vol.14. Tehran: University of Tehran.
- Dubocour, Monique. (1373/1994). *The Symbols*. Translated to Farsi by Satari J. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Epiegel, F. (1851). *Die Alexendresage bei den Orientalen* [The Alexendresage the originals]. Paris: Leipzig.
- Ferrand, G. (1914). *Relation de voyages et textes géographiques arabes, Persans et Turc, relatif à l'Extrême-Orient* [Relationship of travel and geographical texts Arab, Persian and Turkish, on the Far]. Paris: Larousse.
- Khalaf Tabrizi. E. (n.d.) *Borhan-e Ghate* [Undisputable evidence]. Tehran: Kolaleh Khavar.
- Koechlin, R. & Migeon, G. (1987). *Cent planches en couleur de l'art musulman* [One hundred color plates of Muslim art]. Paris: Editions Albert Levy, Paris.
- Kouiaji, J.K. (1382/2003). [The Rules and tradition of ancient's Iran and China, Translated]. Translated to farsi by Doustkhah, J. Tehran: Elmi va Farhangi.
- Laufer, B. (1917). *La Mandragore* [The Mandrake]. China: T'oung Pao.
- LEE, H. (1888). *The Vegetable Lamb of Tartary*. London: S. Low, Marston, Searle, & Rivington.
- Mode, H. (1977). *Démons et Animaux Fantastiques* [Fantastic Beasts and Demons]. Paris : Leipzig.
- Oxford, Bodléienne. (1928). *The Painting in Islam*. London: Oxford.
- Tikkanen, J. (1895). *Die Psalter illustration im Mittelalter* [The Psalter illustration in the middle ages]. HelsingFors: Finnischen Litteratur-Gesellschaft.
- Vermarzen, M. (1993). *The Tradition of Mitra*, translated to farsi by Nader Zadeh, B. Tehran: Nashre Cheshmeh.
- Wilson, E. (2007). *The Islamic designs*. Translated to farsi by Riazi, M. Tehran: Entesharate Samt.

The Sacred Tree, the Talking Tree and Formation of Wak Wak Motif

Alireza Taheri*

Abstract

In some communities, tree had been revered and worshiped. Tree in its oldest vision is a giant cosmic tree, which is the symbol of the universe and Creation. With regards to the close relationship between the tree and human life, many communities have attributed a sense of sanctity to the tree.

The relationship between the man, the tree and its holiness was in a way that people in some communities believed man was born from the tree. This belief affected a part of the ritual, magic and aesthetic ceremonies of some nations. On the other hand, in some images, this is the tree which has grown out of the human body.

The Talking tree and Wak Wak tree are instances of legendary trees which have entered into the Islamic art and culture.

The different forms of illustrations of Wak Wak which have been drawn by Iranian painters depict the blend of the decorative and imaginative compositions in a beautiful manner. In this article, we aim to find out answers to the following questions:

1. What is the similarity between the tree and the man in the beliefs and legends of different nations?
2. What is the relationship between the sacred tree, the tree of life, Talking tree, and Wak Wak's forms?

Hypothesis: The common capabilities of man and tree can be mentioned as fertility, growth and procreation. Tree has been posed as a symbol of fertility and procreation besides the man, thus there exists a close relationship between these two creatures, which has led to the creation of extraordinary myths.

With regard to this issue, the sacred tree, the tree of life, the talking tree and the Wak Wak tree with the human and animal fruits have resulted into the formation of Wak Wak through a process.

This research aims to understand the relationship between the tree and human thoughts as well as the public beliefs reflected in fictions and various forms of arts.

It may be interesting to note that few studies have been carried out in this field in Iran and they mostly described Wak Wak's forms.

۵۴/۳۷

Keywords

Sacred tree, Tree of life, Talking tree, Wak Wak, Vaq Vaq.

.....
*. Ph.D. in History of Art. Associated Professor of the Art Faculty, University of Sistan & Baluchistan, Zahedan, Iran.
taheri121@yahoo.com